

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چربی های خون و تبیین هایپرلیپیدمی از منظر طب ایرانی

دکتر علیرضا نیک نفس

[Dr.Alireza Niknafs@yahoo.com](mailto:Dr.Alireza.Niknafs@yahoo.com)

تاریخچه:



- تشخیص هایپرلیپیدمی با روشهای پاراکلینیک امکانپذیر میباشد.
- قاروره شناسی(تفسره)، بول ، براز، وجود چربی در ادرار یا مدفوع، فجاه
- در سال 1758 میلادی بدنبال خارج کردن سنگ صفراوی از بدن یک بیمار، کلسترول توسط دانشمند فرانسوی فرانسیس پل لیون کشف شد.

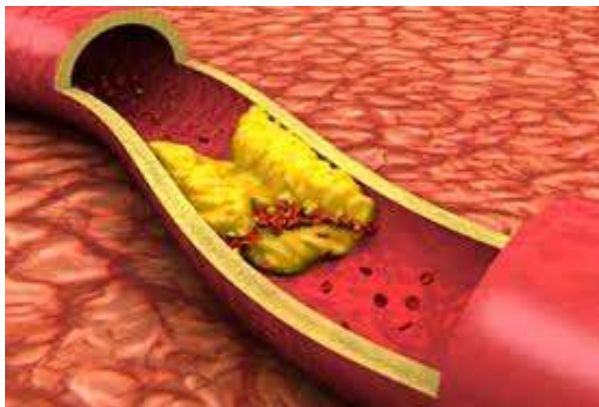
1816: نامگذاری کلسترول، میشل اوژن

به معنای جامد steros به معنای صفرا، chole

فیرخو، آسیب شناس آلمانی ماده چرب وزرد رنگی را که در جداره شریانهای بیمارانی که در اثر حمله قلبی فوت کرده بودند کشف نمود



- 1913: نیکولای آنیتچکوف، دانشمند روسی دریافت تزریق کلسترول خالص به خرگوش باعث توسعه آترواسکلروز شدید در آئورت میشود.





- در 1960 جان گفن ، برای جدا کردن لیپو پروتئین های پلاسما از سانتریفوژ استفاده کرد.

- در 1965 فیبراتها کشف شدند

- 1970 یک میکروبیولوژیست ژاپنی بنام آکیرا اندو، اثرات یک ارگانسیم را روی چربیهای خون بررسی کرد که منجر به ساخت استاتین ها شد.
- با انجام مطالعه طولانی مدت فرامینگهام، فاکتورهای خطر بیماریهای آترواسکلروتیک و دیس لیپیدمی تعیین گردیدند.



- 
- 
- Lipidology
 - Energy Homeostasis
 - Lipid Signaling
 - Lipid Droplets
 - Lipotoxicity , Detoxification by lipids
 - Lipotoxic Cardiomyopathy

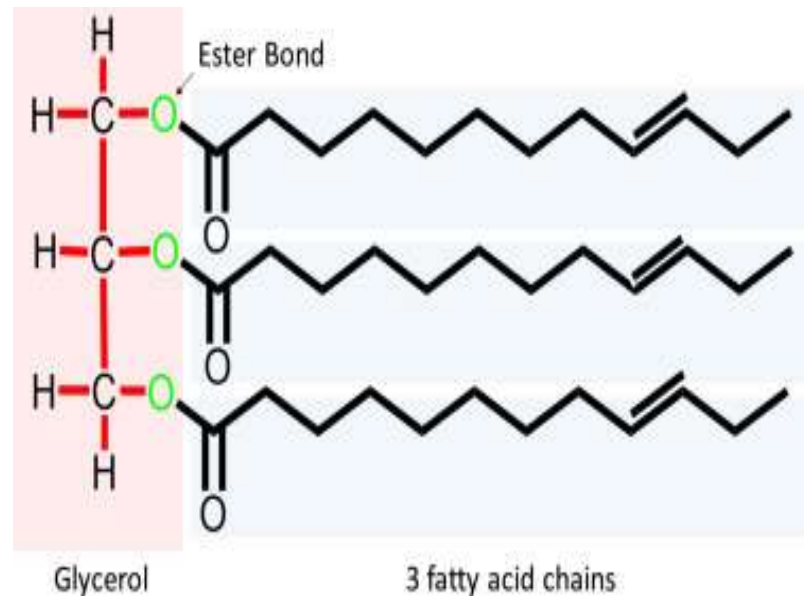
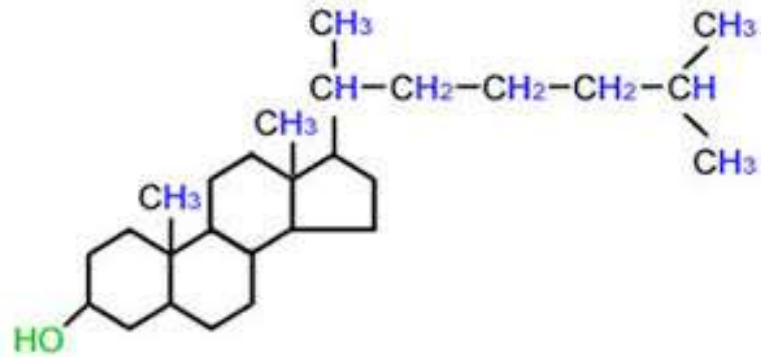
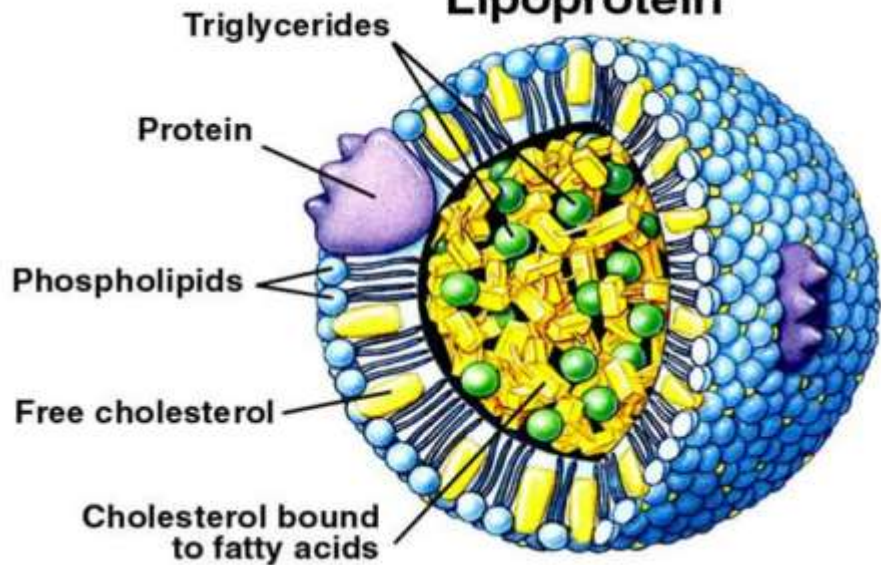
□ چربی (لغت نامه دهخدا):

- کنایه از ملایمت و نرمی باشد. (برهان). کنایه از لینت و نرمی و ملایمت و رفق و مدارا باشد. ملایمت و نرمی. (ناظم الاطباء).
آهستگی و لطف و صفا. ملاطفت

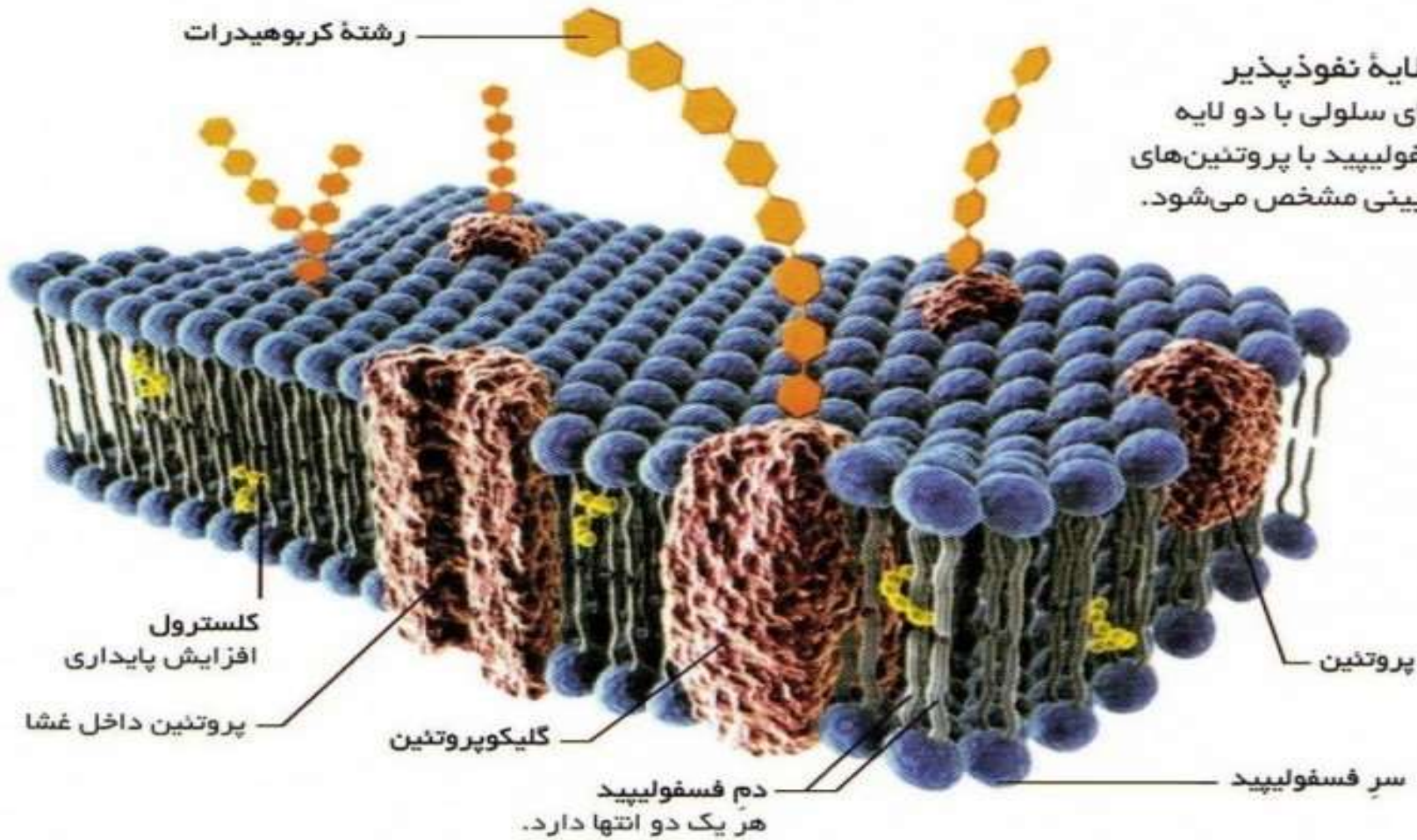
چربی ها

- تولید و ذخیره انرژی،
- تامین اسیدهای چرب لازم برای بدن و حمل ویتامینهای محلول در چربی
- بعنوان عایق حرارتی در زیرپوست
- در ترکیب با پروتئینها در ساختار سلولی بسیاری از بافتهای بدن و هورمونها نقش دارند.
- لیپو پروتئینها ترکیبات مهمی را تشکیل میدهند که در غشاء سلولها، میتوکندریها و حمل چربیها در خون نقش دارند.
- همچنین چربیهای غیر قطبی بعنوان عایقهای الکتریکی عمل نموده و در انتقال سریع امواج دپلاریزاسیون در طول اعصاب میلین دار نقش دارند.

Lipoprotein



دو لایه نفوذپذیر
غشای سلولی با دو لایه
فسفولیپید با پروتئین‌های
بینابینی مشخص می‌شود.



رشته کربوهیدرات

پروتئین

سر فسفولیپید

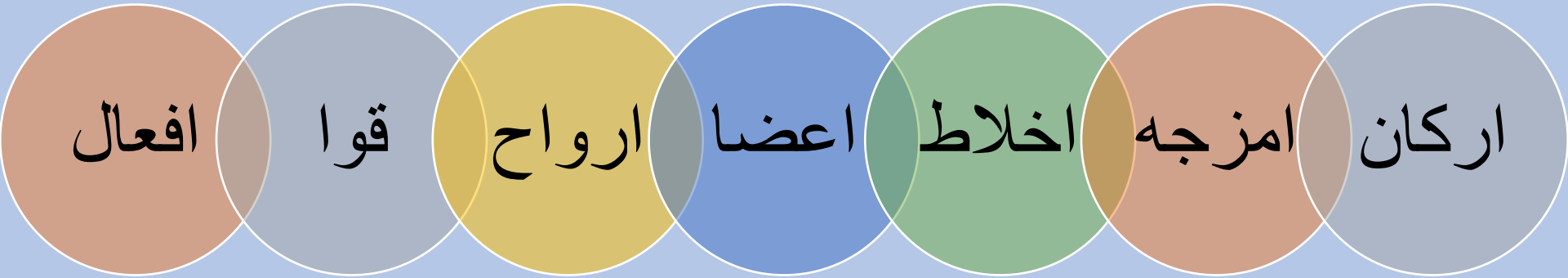
دم فسفولیپید
هر یک دو انتها دارد.

گلیکوپروتئین

پروتئین داخل غشا

کلسترول
افزایش پایداری

امور طبیعیہ



به وجود آمدن و تعادل انسان به وجود آنها بستگی دارد

اركان (عناصر)



ارکان

□ قانونچه

- ارکان (عناصر) اجسام بسیطی هستند که غیر قابل تقسیم به اجسام مختلفه بوده و اجزای اولیه بدن انسان و غیر انسان را تشکیل میدهند.

□ مفرح القلوب

- «الارکان فهی اجسام بسیطه، وهی اجزاء اولیه البدن الانسان و غیره وهی التی لایمکن ان تنقسم الی اجسام مختلفه الصور والطبائع»

□ هوا – آب – آتش – خاک

کیفیات چهارگانه

- گرمی : ویژگی تفارق اجزاء جسم
- سردی : انجماد و کثافت اجزاء جسم
- خشکی : ویژگی شکل دهی و ثبات اجزاء
- تری : ویژگی سیالیت و روانی اجزاء

هوای عنصری :

جسمی که سبکی نسبی دارد

گرم و تر

در تخلخل ولطافت بخشی به اجسام نقش دارد

آتش عنصری :

- جسمی که سبکی مطلق دارد
- گرم و خشک

□ در ایجاد لطافت، نضج و سبکی نقش دارد.

آب عنصری :

جسمی که سنگینی نسبی دارد .

سرد و تر .

توانایی شکل پذیری و انعطاف را در جسم ایجاد میکند .

خاک عنصری :

- جسمی که سنگینی مطلق دارد .

- سرد و خشک

- باعث حفظ ثبات و شکل پذیری در اجسام میشود .

مزاج :

از نظر لغوی از کلمه امتزاج به معنی مخلوط کردن و در هم آمیختن تشکیل شده است .

تعریف مزاج در طب سنتی ایرانی :

کیفیت یکسان وجدیدی است که در اثر در هم آمیختن عناصر در یک جسم مرکب حادث میشود .

مزاج

- حکیم قطب الدین شیرازی در تعریف مزاج میفرماید:
- «اجتماع عناصر اربعه ، بعضی با بعضی دیگر بروجهی که آن اجسام تفاعلی کنند بواسطه کیفیات متضاده تا حدی که حاصل شود از ایشان کیفیتی متوسط متشابه در جمیع اجزاء»
- « المزاج کیفیه حاصله من تفاعل کیفیات المتضادات اذا وقفت علی حد ما، و وجودها فی عناصر متصغره الاجزاء لیماس اکثر کل واحد منها اکثر الآخر اذا تفاعلت بقواها بعضها فی بعض حدث عن جملتها کیفیه متشابهه فی جمیعها ، هی المزاج » (قانون)

- هر جسم مرکب از چهار عنصر (با نسبت‌های مختلف تشکیل شده است)
- در نتیجه در جهان هستی بی نهایت مزاج داریم .

مزاج اعضا

- معتدل ترین اعضا پوست است .
- سردترین وتر ترین اعضا پیه و چربی میباشند. لذا تجمع آنها در بعضی از بافتها هم سبب افزایش چربی وتری در آن بافت یا عضو میشود. چنانکه مزاج کلی بدن افراد چاق به نسبت سردی وتری بیشتری دارد یا مزاج کبد در بیماری کبد چرب بطرف سردی وتری بیشتری میل میکند

سوءمزاج

- هرگاه مزاج عضو یا مزاج کل بدن از حد اعتدال ویژه مناسب آن خارج شود، **سوءمزاج** رخ میدهد و بر دو نوع است:
- **الف – سوءمزاج سازج:** مزاج عضو یا کل بدن به سبب غلبه یکی از کیفیات تغییر کند مانند قرار گرفتن فرد در معرض سرمای بیش از حد و بروز سرمازدگی
- **ب – سوءمزاج مادی:** زمانی است که یک ماده غیرطبیعی از نظر کمیت یا کیفیت، مزاج عضو یا کل بدن را از مزاج متناسب خودش خارج کرده باشد.
- سوءمزاجات معده و کبد بعنوان مهمترین اعضایی که در تشکیل اخلاط در بدن نقش دارند از جمله مهمترین سوءمزاجاتی است که میتواند منجر به تشکیل اخلاط غیر صالح و بروز بیماریهایی مثل هایپرلیپیدمی شود.

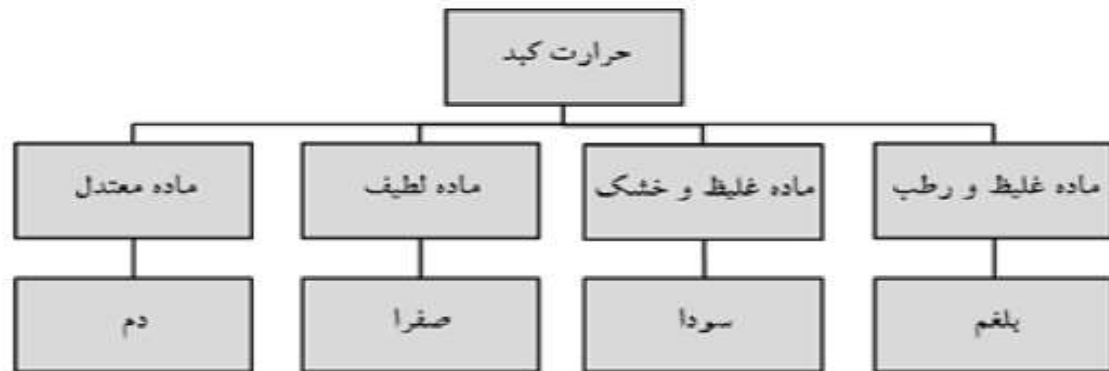
خلط

- جسم مرطوب و سیالی است که از استحاله غذا بدست می آید.

جسم رطب سیال یستحیل الی الغذاء اولاً

دم (خون) ، صفرا ، بلغم ، سودا

چگونگی تولید اخلاط



اسباب چهارگانه خون طبیعی

سبب مادی	خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های معتدل، موافق مزاج و مولد دم، مانند گوشت بره و نان گندم
سبب فاعلی	حرارت معتدل
سبب صوری	نضج کامل و کافی
سبب غایی	۱. تولید روح حیوانی ۲. تغذیه و تنمیه بدن (رشد و نمو) ۳. گرم و تر و با نضارت و حسن و جمال و رونق و بها و فربه داشتن بدن ۴. جایگزینی مواد مصرف شده در بدن

غذاهای معتدل، موافق مزاج

- گوشت بره
- نان گندم
- انجیر
- انگور
- سیب شیرین
- گلابی
- هویج و زردک
- مویز و کشمش
- توت

اسباب چهارگانه صفرای طبیعی

سبب مادی	قسمت لطیف و گرم. تند. شیرین و چرب از غذاها
سبب فاعلی	حرارت اندک زیاده از حد اعتدال
سبب صوری	نضج کامل (رو به افراط)
سبب غایی	<p>۱. تلطیف و ترقیق خون تا بتواند در عروق مویرگی و مجاری ظریف و تنگ نفوذ کند.</p> <p>۲. تحریک امعاء (روده‌ها) برای حرکت دادن فضولات غذایی و ایجاد احساس دفع (باعث شسته شدن امعاء و احشاء و پاک شدن رسوبات و بلغم لزج چسبیده به روده‌ها می‌شود).</p> <p>۳. تغذیه بعضی اعضا که به صفرا نیاز بیشتری دارند؛ مثل ریه و کیسه صفرا (مراره).</p>

بخش لطیف، حار، شیرین، چرب و تند غذاها

- سیر و پیاز
- تره، تربچه، شاهی، ریحان، نعناع، ترخون، مرزه، جعفری، شنبلیله، شوید، کرفس
- انواع کلم
- خردل
- سسهای تند
- غذاهای شور
- پنیر کهنه
- تخمه، فندق، گردو، پسته و بادام هندی (مخصوصا شور)
- گوشت شتر و بلدرچین
- عسل و شکر و شیرینجات
- ادویه جات گرم مانند آویشن، دارچین، زردچوبه، زعفران، زنجبیل، زیره، فلفل، هل

اسباب چهارگانه بلغم طبیعی

قسمت غلیظ. لزج و سرد و تر از غذاها مانند ماهی تازه

سبب مادی

حرارت کمتر از اعتدال (نسبت به سایر اخلاط)

سبب فاعلی

نضج ناتمام

سبب صوری

۱. قابلیت و آمادگی برای تبدیل به خون (با تأثیر حرارت به نضج کامل می‌رسد).

۲. جایگزینی رطوبت بدن که بر اثر حرکات، بیداری زیاد و اعراض نفسانی از دست می‌رود.

۳. تر نگه داشتن مفاصل و اعضای که حرکت زیاد دارند.

۴. مخلوط شدن با خون و آماده کردن آن برای تغذیه برخی اعضا مثل مغز، نخاع، و اعصاب.

سبب غایی

سبب مادی تولید بلغم غذاهای غلیظ، بارد، رطب و لزج:

- گوشت گاو و گوساله
- ماهی تازه
- خیار، کدو، اسفناج و کاهو
- ماست، دوغ، شیر و پنیر تازه
- آلو، زردآلو، هلو، شلیل، پرتقال و نارنگی
- جو و ما الشعیر

اسباب چهارگانه سودای طبیعی

سبب مادی	قسمت غلیظ و کثیف از غذاهای کم رطوبت (چه سرد و چه گرم)، و رسوب و دردی اخلاط
سبب فاعلی	حرارت معتدل
سبب صوری	ثفل، رسوب، کمال غلظت و سیاهی رنگ
سبب غایی	۱. تغذیه برخی اعضا مانند استخوان و طحال ۲. برانگیختن اشتها ۳. ایجاد انقباض و استحکام در الیاف و اعصاب و پرزهای معده و کاهش سستی ناشی از رطوبت غذاها

مواد غذایی موند سودا

- گوشت گاو
- گوشت خشک کرده و کنسرو
- گوشت مانده و نمک سود
- خرما
- بادنجان
- عدس
- کلم
- پنیر کهنه
- سرکه کهنه
- باقلا
- میوه های کال و ترش

رطوبتهای بدن

- **اولیه** : (صفرا، دم، بلغم، سودا)

ثانویه : غیرزائد

- در فضاهای اطراف مویرگها
- بین اعضای اصلی بدن مانند شبلم پراکنده است
- بتازگی انعقاد عضوی یافته و هنوز قوام کامل ندارد
- از بدو تولد در اعضا داخل شده - منشا : نطفه

• زائد

□ اعضا

- از بخش لطیف اخلاط، ارواح بوجود می‌آیند. و از بخش کثیف اخلاط اعضای مفرده بوجود می‌آیند و از اعضای مفرده هم اعضای مرکبه تشکیل می‌گردند.
- ارواح : اجسام لطیفی هستند که از بخارات اخلاط حاصل میشوند و به سرعت در مجاری حرکت میکنند

طبقه بندی بر اساس موقعیت (سلسله مراتب) نسبت به یکدیگر



ارواح

وظایف و عملکرد	وسیله انتشار	جایگاه/منشاء	ارواح
تغذیه، تنمیه، تکثیر	وریدها	کبد	طبیعی
رساندن نسیم تازه و دور کردن بخار دخانی از اعضا	شرائین	قلب	حیوانی
حس، حرکت، تدبیر	اعصاب	دماغ (مغز)	نفسانی

قوا

- نیروهای انجام فعل و انفعالات در بدن هستند که توسط ارواح منتقل میشوند.
- انواع
 - طبیعی
 - حیوانی
 - نفسانی

- «قوا جمع، قوه است. و قوه به معنی امر موجود در حیوان است که ممکن باشد از آن حیوان بواسطه آن امر - صدور و ظهور افعال شاقه و حرکات متعبه غیر متوقعه از مثل آن و خسته و باز نماند از آن و ضد آن را «ضعف» نامند.» (خلاصه الحکمه)

افعال

حاصل وصادره از عملکرد قوا هستند.

مفرد : با یک قوه انجام میشود (جذب ، دفع و ...)

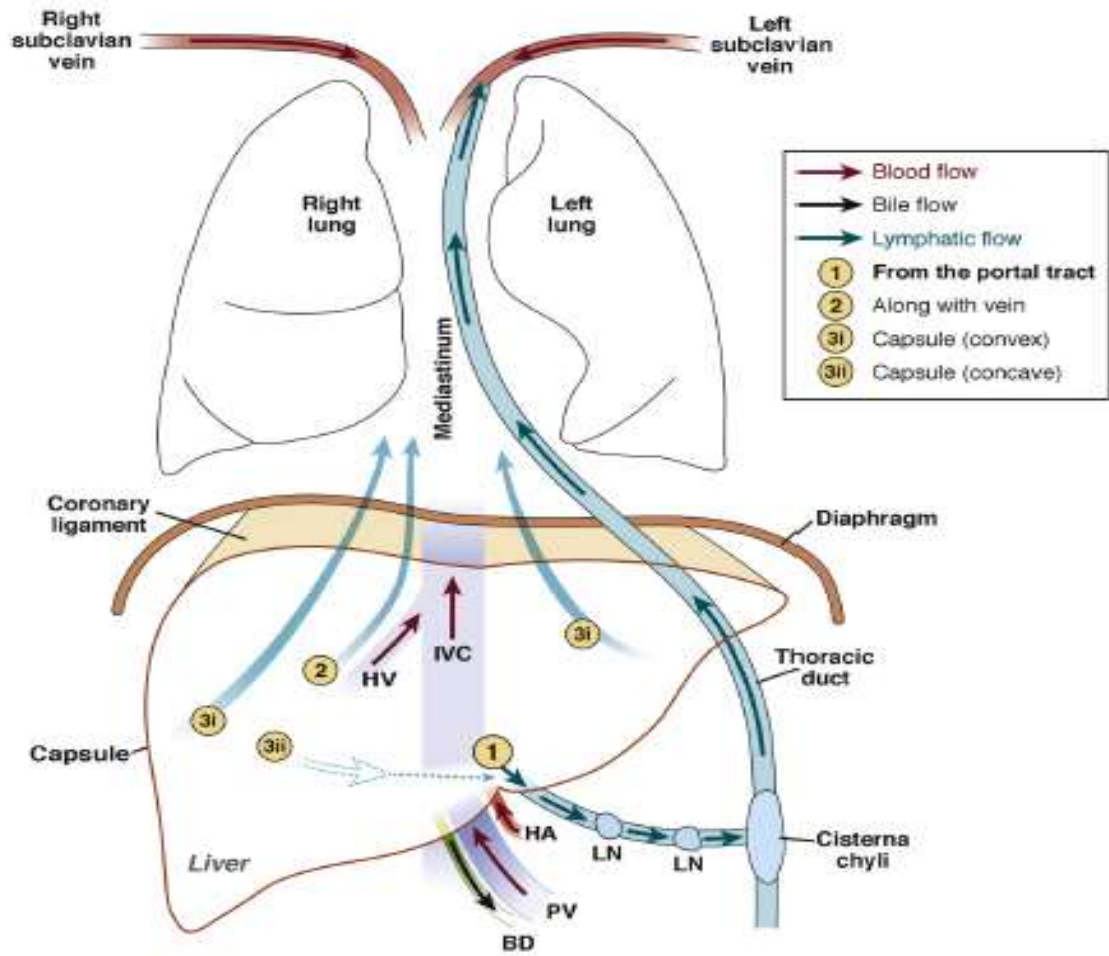
مرکب : با دو قوه یا بیشتر انجام میشود

(اشتها:جاذبه طبیعی ومدرکه نفسانی)



هضم‌های
چهار گانه





Right subclavian vein

Left subclavian vein

Right lung

Left lung

Mediastinum

Coronary ligament

Diaphragm

Capsule

Liver

IVC

HV

HA

PV

BD

Thoracic duct

Cisterna chyli

LN

LN

- Blood flow
- Bile flow
- Lymphatic flow
- 1 From the portal tract
- 2 Along with vein
- 3i Capsule (convex)
- 3ii Capsule (concave)

واژه های معادل با چربیها در کتب طب ایرانی:

- چربی ، شحم، پیه ، دسم ، دسومت ، دهن ، دهنیت، سمین،
ثرب، ازار، چادر پیه

قانون (جزء اول ، فن دوم ، فصل سوم)

- قلة السمين و الشحم تدل على الحرارة، فإن السمين و الشحم، مادته **دسومة الدم** و فاعله البرد، و لذلك يقل على الكبد و يكثر على الأمعاء، و إنما يكثر على القلب فوق كثرته على الكبد للمادة لا للمزاج و الصورة و لعناية من الطبيعة متعلقه بمثل تلك المادة و السمين و الشحم، فإن جمودهما على البدن يقل و يكثر بحسب قلة الحرارة و كثرتها. و البدن اللحيم بلا كثرة من السمين و الشحم هو البدن الحار الرطب و إن كان كثير اللحم الأحمر، و مع سمين و شحم قليل، دل على الإفراط فى الرطوبة، و إن أفرط دل على الإفراط فى البرد و الرطوبة و أن البدن بارد رطب.
- الثلج و السمين. أما الثلج فلانعقاده جامدا، و أما السمين فلغلظه

قانونچه

- فهو جسم أبيض لين في الغاية، يتولد من مائة الدم و دسومته، و يعقده البرد، و منفعتة أن يلين العضو الذي يجاوره.
- پيه جسمی است سپید رنگ و نرم که حاصل بسته شدن آب و چربی خون به سبب سردی است. فایده پیه نرم ساختن عضو مجاور بدان است.

تحفه المومنین

- شحم: به فارسی پیه نامند و سمین را فربهی و هر دو، از دسومت مائیت دموی اند که در سطوح اعضاء منعقد گردد و شحم، اشد انعقاد و اقل مائیت است، مثل پیه‌ای که در قاعده دل می‌باشد و سمین، اکثر مائیت است و اقل انعقاد، مثل فربهی که ملاصق روده‌هاست و او، از شحم، ارطب و ابرد و مذکور شد.

□ قلب انرژی مورد نیاز خود را از طریق بتاکسیداسیون و سیکل کربس بدست می آورد

□ سوبستراهای اصلی برای فعالیت قلب:

□ اسیدهای چرب آزاد، لاکتات، اجسام کتون، تری گلیسرید موجود در VLDL کیلومیکرون ،

□ مقداری گلوکز

□ (شحم) إنما یكثر على القلب فوق كثرته على الكبد للمادة لا للمزاج و الصورة و لعناية من الطبيعة متعلقة بمثل تلك المادة (کتاب قانون)

علم الابدان

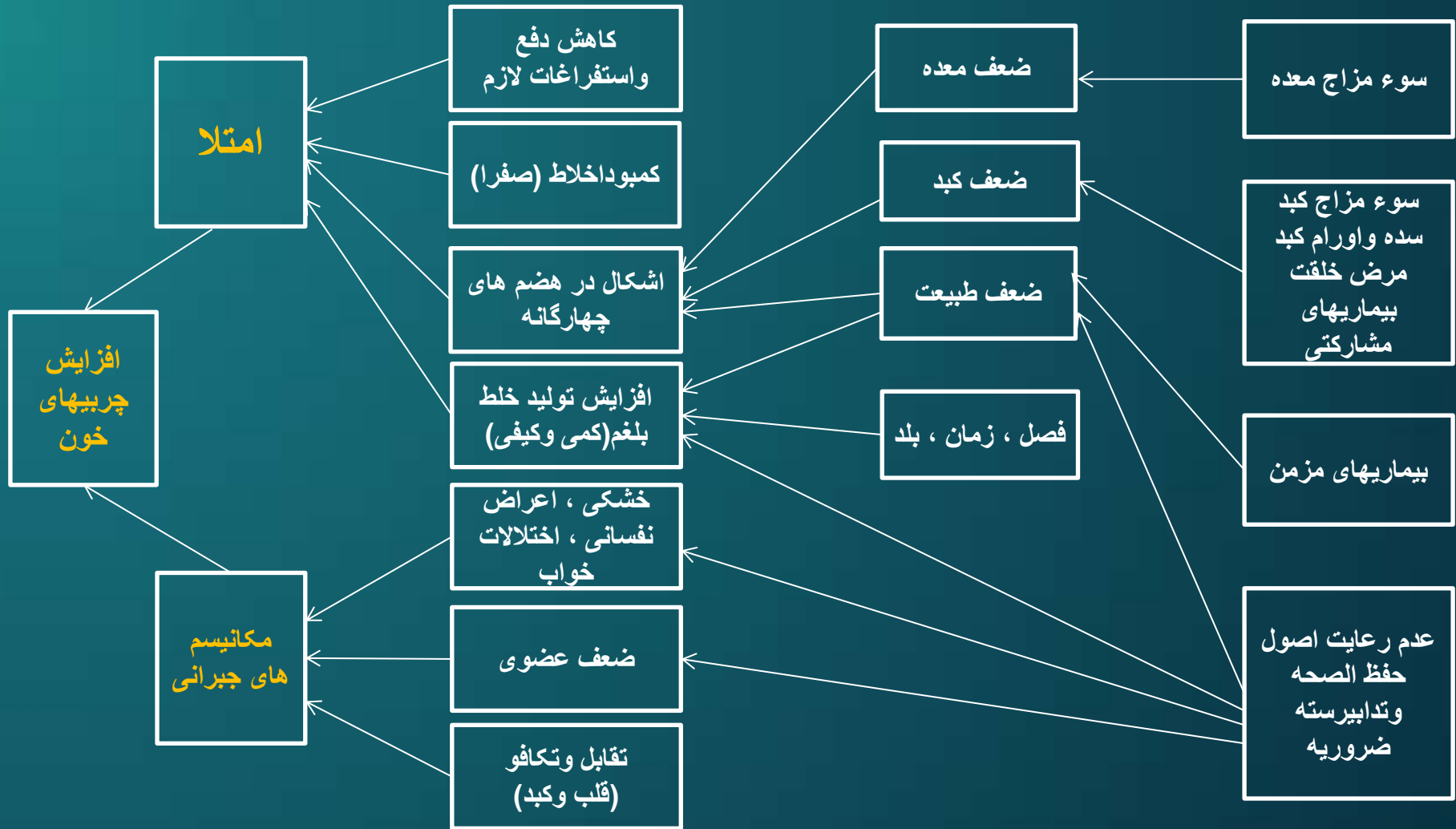
- فربهی اگر از پیه‌ست آن از برودت و رطوبت ست زیرا که سبب مادی شحم مائیت خون‌ست و آن ارطب از دم بود و سبب فاعلی شحم و مجمد او برودت ست لهذا در ابدان بارده و اعضایی چون امعا و امثال آن بیشتر متولد می‌شود و در اینجا ایراد می‌کند که قلب گرم‌تر از سائر اعضاست بالاتفاق و مع ذلک شحم بر وی بیشترست جوابش آنست که شک نیست که قلب از همه اعضا حرارت زیاده‌تر دارد اما طبیعت باذان حکیم مطلق جل شانه همیشه در اصلاح بدن هست و هر عضوی را بحسب لایق او محافظت می‌کند پس قلب که گرم‌ترین اعضاست و بدان سبب یبوست در وی غلبه دارد و محتاج‌ترین اعضاست همیشه طبیعت ماده شحمی بر وی می‌فرستد تا بدهنیت خود ترطیب نماید

عملکرد متقابل قلب و کبد بعنوان دو عضو رئیس [قانون]

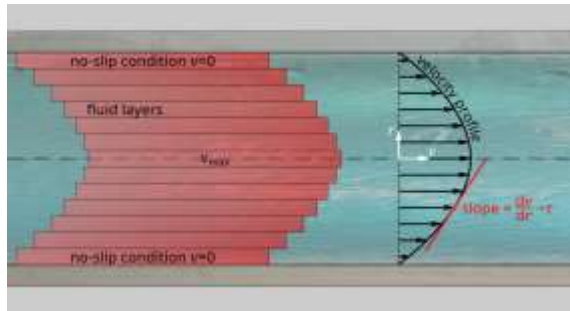
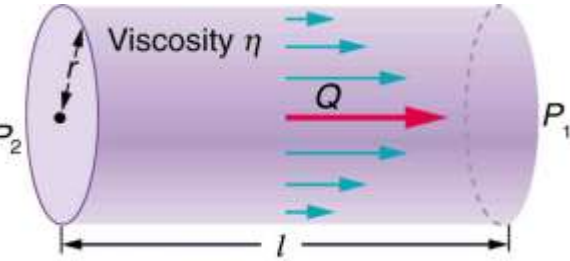
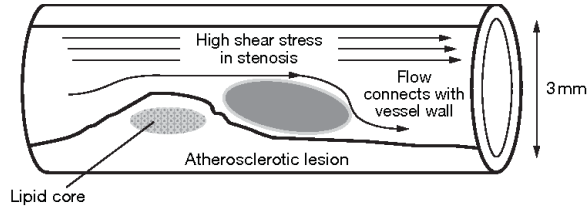
- « و أما مخالفة القلب الكبد في الكيفيات، فاعلم أن حرارة القلب تقهر حرارتها قهرا ضعيفا، و رطوبته لا تقهر يبوستها، و يبوسته ربما قهرت رطوبتها قليلا.
- و حرارة الكبد تقهر برودة القلب قهرا ضعيفا، و رطوبتها تقهر يبوسته قهرا ضعيفا، و برودتها أقل قهرا لحرارته، و يبسها قاهر دائما لرطوبته. و برد القلب يقهر حرارة الكبد أكثر من قهر يبوسته لرطوبتها، و حرارة القلب تقهر رطوبة الكبد أكثر من قهر يبوستها لرطوبته، و تقهر برودتها أيضا قهرا تاما. »
- در مورد تقابل قلب و کبد در کیفیات، بدانید که گرمی قلب بر گرمی کبد غلبه ضعیفی دارد ولی رطوبتش نمیتواند بر یبوست کبد غلبه کند
 - خشکی قلب ممکن است به مقدار کمی بر رطوبت کبد اثر کند
 - گرمی کبد به مقدار کمی سردی قلب را جبران میکند و رطوبتش ، بر یبوست قلب غلبه کمی دارد، اثر سردی کبد از حرارتش کمتر است و **خشکی قلب بطور مداوم با رطوبت کبد جبران میشود.** اثر سردی قلب بر گرمی کبد بیشتر از غلبه خشکی اش بر رطوبت کبد است. و اثر گرمی قلب بر رطوبت کبد بیشتر از اثر خشکی اش بر رطوبت کبد است و برودتش نیز همینطور.

تحفه خانی

- «ایشان را خطر عظیم از انصداع عروق هست و انصباب خون در تجاویف از دل و دماغ و اینها را بلاهائی عظیمه آید و بر هر يك ازین دو عضو شریف که انصباب از خون و یا اخلاط حاده واقع شود مردن بغتته **فجاءة** است و مهلت نیست»



امتلاء



• به معنای پری از ریشه ملاء

• **زیادتی در اخلاط وارواح است(بهاءالدوله رازی)**

• انواع : امتلا به حسب او عیه ، امتلا به حسب قوه ، هردو

• **کیفی ، کمی**

• امتلا میتواند ناشی از غلبه دم ، بلغم ، صفرا ، سودا ،

• ریاح (بادها)، و یا عدم دفع فضلات باشد

• « **امراض امتلائی امراضی هستند که سبب عروض وحدوثش**

• **پری اجزای بدن باشد.**» (اکسیر اعظم)

• **سندروم متابولیک میتواند از مصادیق امتلا باشد**

• **دیابت ، هایپرلیپیدمی ، افزایش فشارخون ، هایپریوریسمی**

□ حکیم بوعلی سینا در قانون در مورد انواع امتلا چنین میفرماید:

□ « هو ان تكون الاخلاط والارواح وان كانت صالحه في کیفیتها قد زادت في کمیتها حتى ملاءت الاوعیه ومددتها فهو ان لا يكونا لاذی من الاخلاط لکمیتها فقط بالردائه کیفیتها فهي تقهر القوه بردائه کیفیتها ولا تطاوع الهضم والنضج

«

□ «آن است که مقادیر اخلاط و ارواح، با کیفیت خوب افزایش یافته و مجاری بدن را پر کند، و آن نه فقط در اثر کمیت اخلاط بلکه بخاطر ردائت در کیفیت آنها نیز میباشد پس ردائت در کیفیت باعث ضعف قوا شده و از هضم و نضج تبعیت نمیکند.»

- علامات مطلق امتلا:
 - گرانى اعضا
- ماندگی و گرانى حرکات
 - تکسر والم
 - کالات بصر
 - اختلال خواب
 - انتفاخ عروق
 - تمدد جلد
- وبى رونقى لون

علائم غلبه اخلاط

غلبه خون

- پری رگها و نبض،
- سردرد و سنگینی سر،
- سرخی چشمها و صورت و بدن،
- زیاد شدن خواب و احساس کسالت و خمیازه،
- ایجاد دمل و بثورات پوستی و خارش،
- شیرینی دهان،
- خونریزی لثه و بینی،
- خارش محل حجامت و فصد قبلی.

غلبه صفرا

- زردی رنگ چشم و پوست،
- تلخی دهان،
- خشکی دهان و بینی
- و عطش زیاد،
- کاهش تمایل به غذا،
- تهوع،
- احساس گزگز و سوزن سوزن شدن بدن،
- نبض سریع.

غلبه بلغم

سفیدی رنگ،

نرمی و سردی پوست،

کندی حواس و زیاد شدن خواب،

فراموشی و کندفهمی،

ترشحات پشت حلق بلغمی و سرفه زیاد،

ضعف هضم و آروغ ترش زدن،

زیاد شدن آب دهان،

عدم تشنگی،

ادرار سفید

سنگینی بدن که در این‌ها بیشتر از غلبه خون است.

غلبه سودا

- لاغری و خشکی و سفتی پوست،
- پرمویی پوست،
- موی درشت و سیاه همراه با دو نیم شدن موها،
- سیاه شدن رنگ پوست بخصوص زیر چشم،
- فکر و خیال زیاد،
- خواب سبک و کم و پریدن‌های مکرر از خواب،
- سوزش سردل و اشتهای کاذب با وجود گرسنگی شدید (با خوردن چند لقمه به سرعت سیر می‌شود).

کمبود اخلاط

- کمبود یک خلط می‌تواند به صورت کاذب موجب بروز علایم غلبه خلط مقابل گردد و در صورتی که تشخیص داده نشود و به عنوان غلبه خلط مقابل تحت درمان قرار گیرد می‌تواند باعث ایجاد عوارض شدیدی گردد.
- نظر شیخ این است که کمبود اخلاط با تأثیری که بر مزاج قلب می‌گذارد، منبع حرارت غریزی و به عبارت دیگر سرچشمه حیات را به‌طور جدی تهدید می‌نماید. وی با عبارت «و إذا عرض للأخلاق نقصان عن قدر واجب كان أول ضرر ذلك بالقلب فيتغير مزاجه» تأکید نموده است که هرگاه اخلاط از مقدار مورد نیاز بدن کمتر شود ضرر آن ابتدا به قلب می‌رسد و مزاج آن را متغیر می‌سازد زیرا با کمبود اخلاط، ارواح نیز دچار نقصان شده و سبب سردی و ضعف قلب خواهد شد.
- قرشی در شرح کلام شیخ می‌گوید: یکی از اسباب کمبود اخلاط «استفراغ» است که موجب خروج ارواح به همراه اخلاط می‌گردد و از آنجا که قلب معدن ارواح است به دنبال آن، سردی مزاج و ضعف قلب، پیش از سایر اعضا به وقوع می‌پیوندد.

اشکالات هضم

- **الف – ضعف الهضم:** نقصان در فعل هضم است ، طعام در معده دیرتر بماند و بر سیل معتاد منحدر نشود به سوی امعا
- هر قوتی که از قوای معده ضعیف شود، نوعی از ضعف در معده احداث کند.
- **ب – سوء الهضم:** از آن به فساد هضم تعبیر شده و در واقع تشویش در فعل هضم میباشد.
- **ج – تخمه:** بطلان هضم است، « طعام در معده هضم نشود و همچنان باقی ماند »

ضعف کبد

- حکیم عقیلی خراسانی در خلاصه الحکمه میفرماید:
- « ضعف کبد: عبارت از ضعف قوه آن است بالتمام یا بعضی و این فی الحقیقه تابع جمیع امراض کبد است »

- **Stagnation = انسداد = سده**
- **مرض خلقت :** ناهنجاریهای مادرزادی، اختلالات آنزیمی کبد، هایپرکلسترولمی فامیلیال
- بیماریهای مشارکتی کبد

سوء القتیہ:

- به معنی ردائت خون جگر است و هنگامی است که مزاج جگر فاسد و خونی که در آن تولید میگردد تباه گردد. (اکسیر اعظم)

اسباب:

□ ضعف کبد

سوء مزاج در اثر غلبه برودت یا حرارت

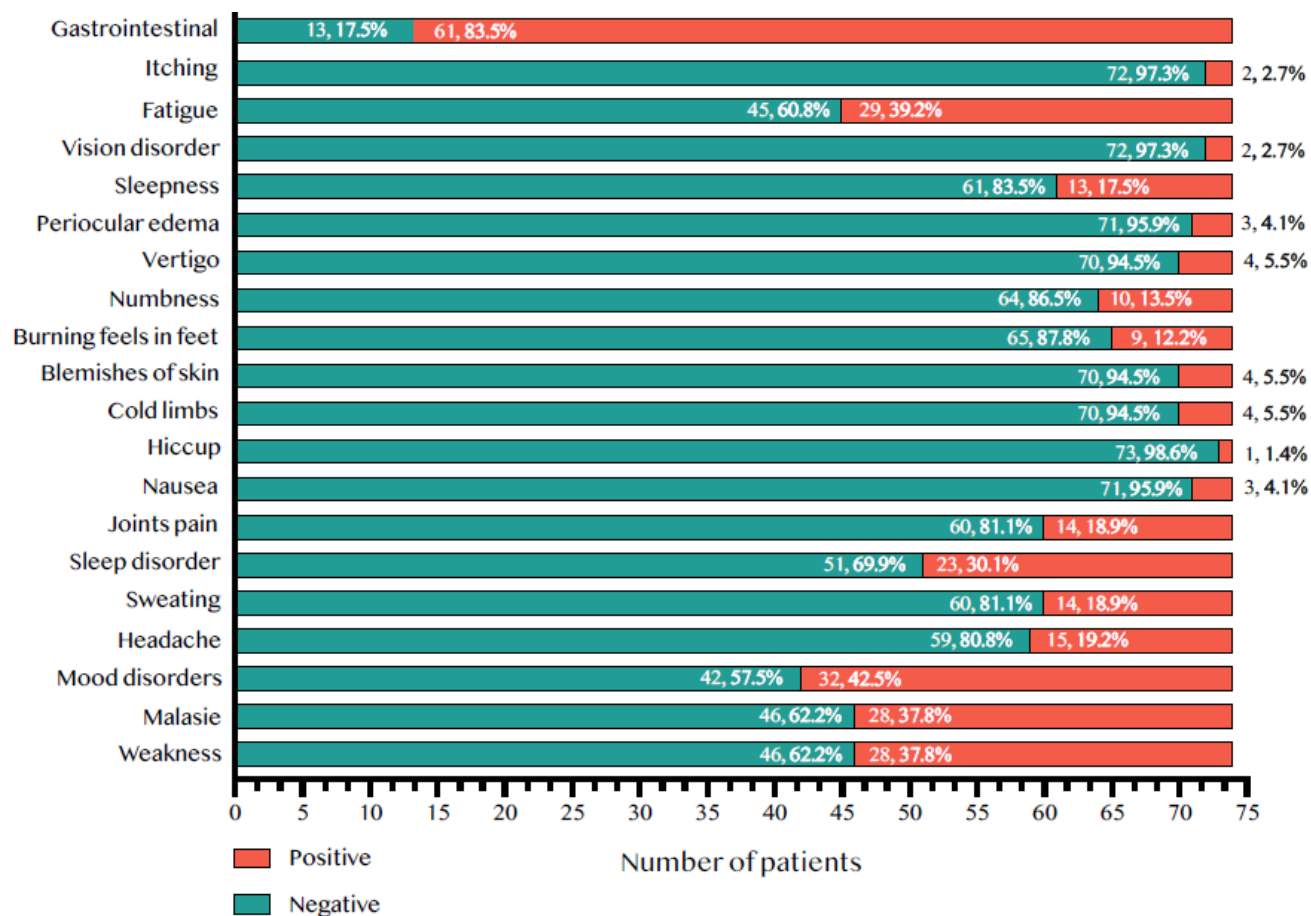
□ فساد و ضعف معده

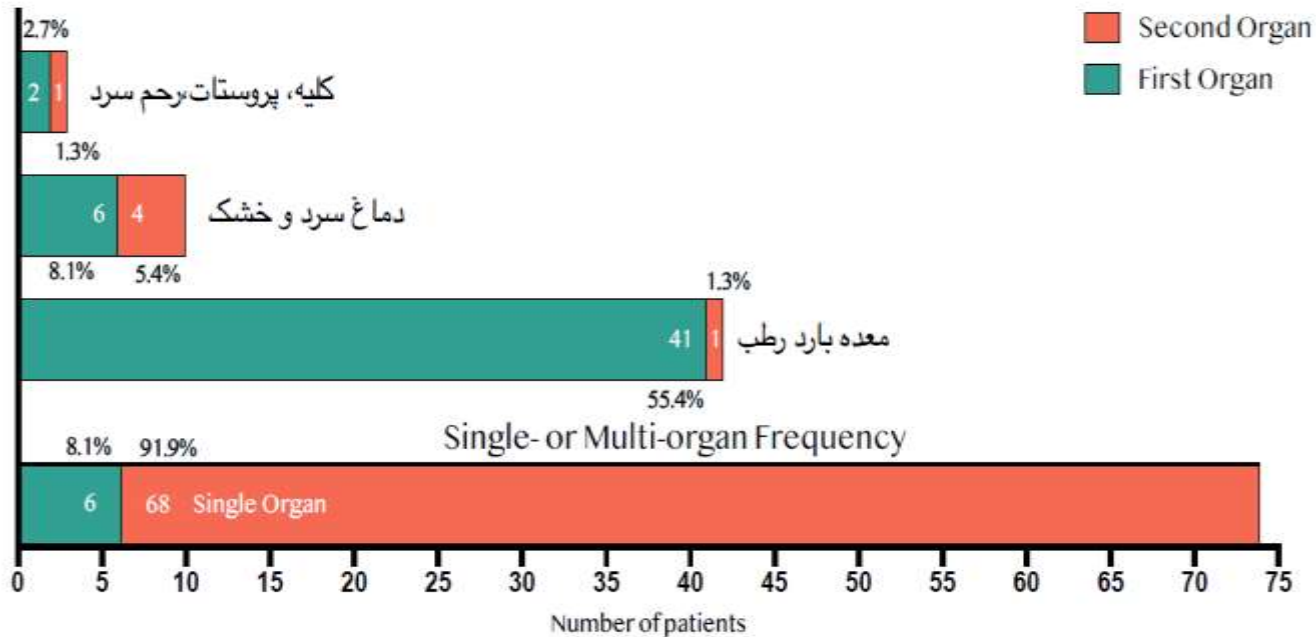
□ بند آمدن خون حیض

□ در اثر تعفن هوا

استسقاء :

- **الف - استسقاء لحمی :** شایعترین و اسلم ترین ، طبق نظر شیخ الرئیس سبب کلی استسقاء لحمی ضعف قوای جگر است و اکثرا با برودت کبد همراه است. هضم سوم مختل شده و خون خام در بدن جمع شده و مواد موجود در عروق بطرف فجاجت و مائیت و بلغمیت میرود و به دلیل رذائت ، خون به بدن لصوق طبیعی نمیکند.
- **ب - استسقاء زقی :** اجتماع آب در مابین احشا، آب در نوع بارد و صدید در نوع حار، (آسیت از نوع ترانسودا یا اگزودا) **بدترین نوع استسقا است** و از جمله اسباب آن کثرت مائیت، ضعف در جاذبه یا دافعه جگر، نوشیدن آب سرد بسیار، گذارش رطوبات بدن
- **ج - استسقاء طبلی:** (یابس) عبارت است از اجتماع ریح غلیظ عسرا التحلیل در مواضعی که آب زقی جمع گردد. و بدلیل وجود ضعف در هاضمه کبد و معده ایجاد ریح میشود.
- **د - استسقاء مشارکتی:** بخاطر وجود ضعف و آفت در اعضای مشارک با کبد ایجاد میشود





شیوع سوءمزاج عضوی در بیماران با هایپرلیپیدمی

سته ضروریه

اعراض نفسانی
خواب و بیداری
استفراغ و احتباس

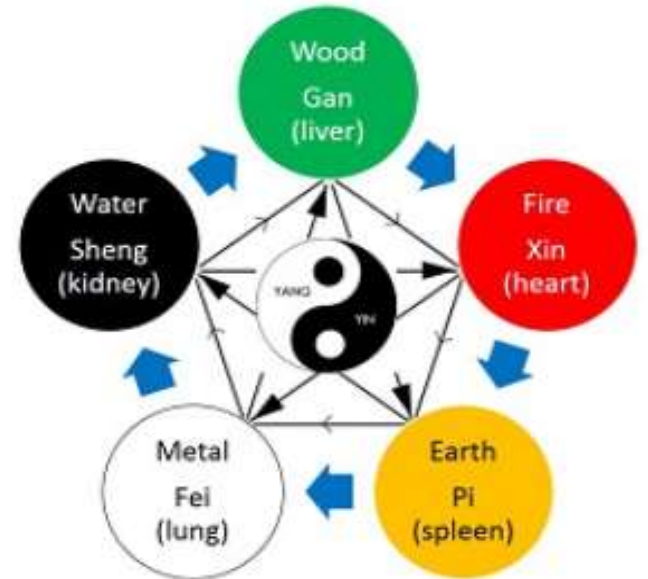
خوردن و آشامیدن
آب و هوا
ورزش

- عدم رعایت تدابیر و اصول حفظ الصحة بخصوص در زندگی صنعتی و شهرنشینی امروز ، رعایت نکردن الگوهای غذائی و اصول خوردن و آشامیدن و مصرف غذاهای کارخانه ای، بهم ریختن سیکل خواب و بیداری، اعراض نفسانی، مشکلات آب و هوائی و بهم خوردن فصلها که امروزه با زندگی شهر نشینی عجین شده است میتواند کیفیت خشکی را در بسیاری از اندامهای بدن مثل دماغ ، قلب و یا انثیین ایجاد نماید، و یا باعث ضعف بعضی از اعضا شود.

TCM 中藥

نظرات طب سنتی چین در مورد هایپرلیپیدمی

- “Dyslipidemia” can be classified as “phlegm,” “wet,” or
- “dampness evil” in Traditional Chinese Medicine, which
- is caused by overeating greasy food, dysfunction of transportation,
- and transformation of spleen and stomach,
- and stagnation of qi and phlegm-dampness
- and blood stasis are the representation of it.



تعریف پیشنهادی هایپرلیپیدمی از منظر طب ایرانی :

«هایپرلیپیدمی کیفیت یا حالتی در ماده داخل عروق است که در اثر عدم تعادل اخلاط حاصل گردیده ، منجر به غلظت و لزوجت بیشتر در قوام خون میگردد. اسباب و انواع متعددی دارد و ممکن است بیماری یا واکنش جبرانی طبیعت بدن باشد. این عدم تعادل در اخلاط عمدتاً امتلاء اصنافی از بلغم و یا کمبود صفر است.»

بعضی گیاهان و مفردات موثر بر چربیهای خون

سیر	شوید	شنبلیله
کاسنی	گشنیز	سماق
کبر	جعفری	خرفه
کنگر فرنگی (آرتیشو)	زنجفیل	آویشن
خار مریم (سیلیمارین)	مقل ازرق	سیاهدانه
یونجه	پوسته بذر اسفرزه (پسیایوم)	زنیان
مرزه	سبوس گندم	مصطکی

عبدالوليد القمبر
اللهم

يا صاحب الزمان ادركني